

انزایی نژاد و زبان فارسی

محمدجعفر یاحقی (عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

رضا انزایی نژاد در چهارم اسفند ۱۳۹۱، در هفتادوشش سالگی، درگذشت. وی در دهم بهمن ۱۳۱۵ در تبریز متولد شد. دوران تحصیل را در دبستان همام تبریزی و دبیرستان منصور تبریز به پایان برد و در سال ۱۳۳۵ دیپلم ادبی را دریافت کرد. بلافاصله در دانش‌سرای عالی تبریز به ادامه تحصیل پرداخت و پس از اخذ مدرک لیسانس در سال ۱۳۳۸ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و برای تدریس زبان و ادبیات فارسی عازم گناباد شد. دوران خدمت او در گناباد ایام پرباری بود که توانست با تربیت دانش‌آموزان مستعد حاشیه کویر و پیدا کردن دوستان و همکارانی صمیمی در آموزش و پرورش این شهرستان محروم، اثری شگرف بر جای بگذارد. خدمت در این فضای صمیمانه او را پای‌بند خراسان کرد و با همه دوری از آذربایجان و تفاوت فرهنگی، خدمت به آموزش و دانش خراسان در طالع او رقم خورد. در سال ۱۳۴۳ به نیشابور منتقل شد و دو سال بعد (۱۳۴۵) ازدواج کرد و به کلی خراسانی شد. دوران اقامت او در نیشابور تا سال ۱۳۴۹، که در دوره فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز پذیرفته شد، و به این شهر بازگشت، ادامه یافت. در سال ۱۳۵۱ دوره فوق لیسانس را به پایان برد. در این سال بود که در دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران پذیرفته شد. در سال

۱۳۵۶ تحصیل خود را در این مقطع به پایان برد و مدرک دکتری در زبان و ادبیات فارسی را دریافت کرد. در سال ۱۳۵۲ از آموزش و پرورش به دانشگاه تبریز منتقل و به عنوان مربی در گروه زبان و ادبیات فارسی این دانشگاه مشغول کار شد. دکتر انزابی‌نژاد در سال ۱۳۶۶ به مرتبهٔ دانشیاری ارتقا یافت و یک سال بعد به دانشگاه فردوسی مشهد منتقل شد و تا سال ۱۳۸۲، که بازنشسته شد، در این دانشگاه در دوره‌های مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری زبان و ادبیات فارسی با سرفرازی و توفیق تدریس درس‌های مختلف، از جمله کلیله و دمنه، تاریخ جهانگشا، متون مصنوع، متون غنایی و آثار نظامی را بر عهده داشت.

دکتر انزابی‌نژاد در سال ۱۳۷۳ به مرتبهٔ استادی رسید و پس از آن مدت‌ها طی دو دوره سردبیری مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی را بر عهده داشت. در دوران دوم سردبیری او بود که این مجله از سوی مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و حامیان نسخ خطی به عنوان رتبهٔ اول انتخاب شد و دکتر انزابی‌نژاد به دریافت لوح تقدیر نایل آمد. دکتر انزابی‌نژاد در دوران خدمت خود مدتی در دانشگاه مختموقلی ترکمنستان و مدتی هم در دانشگاه کیف در اوکراین به تدریس زبان و ادبیات فارسی پرداخت. وی در اوج بازدهی علمی بود که به آلزایمر شدید مبتلا شد و زودتر از آنچه انتظار می‌رفت از پای درآمد.

وی در دوران خدمت خود شش رسالهٔ دکتری و بیش از پانزده پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد را راهنمایی و دانشجویان را از خرمن دانش ادبی خود برخوردار کرد. دکتر انزابی‌نژاد عربی و ترکی استانبولی را خوب می‌دانست و با زبان فرانسه تا حد استفاده از متون آشنایی داشت. او علاوه بر تدریس، به تألیف و تصحیح و ترجمه از ترکی و عربی هم مشغول بود و آثار گرانها و استواری از خود به یادگار گذاشت. از جمله:

- بابک (از جلال برگشاد، ترجمه با همکاری رحیم رئیس‌نیا)؛
- بوستان (تصحیح، به همراه شرح و توضیح)؛
- تجارب الامم فی اخبار ملوک العجم (ترجمهٔ کهنی از نهایهٔ الارب فی اخبار ملوک الفرس و العرب؛ تصحیح با همکاری یحیی کلانتری)؛
- ثمار القلوب فی المضاف والمنسوب (از ابومنصور ثعالبی، از عربی، ۱۳۷۳)؛
- چهارمقاله (از نظامی عروضی؛ تصحیح، به همراه شرح و توضیح)؛

- دستورالوزاره (از محمودبن محمد اصفهانی؛ تصحیح)؛
- دهکده‌ای در آناتولی (از محمود ماکال؛ ترجمه از ترکی استانبولی با همکاری علی‌اکبر دیانت)؛
- فرهنگ الرائد (از جبران مسعود، دو جلد، ترجمه، ۱۳۷۶)؛
- فرهنگ لغات عامیانه (با همکاری منصور ثروت)؛
- گزیده ترجمه تاریخ طبری (کتاب درسی)؛
- گزیده تفسیر کشف‌الاسرار (کتاب درسی)؛
- گزیده مخزن‌الاسرار (کتاب درسی)؛
- گزیده مرصادالعباد (کتاب درسی)؛
- مقامات حمیدی (تصحیح، ۱۳۶۵)؛
- منطق‌الطیر (تصحیح، به همراه شرح و توضیح)؛
- وامق و عذرا (سروده میرزا محمدصادق نامی؛ تصحیح با همکاری غلامرضا طباطبائی مجد).
ترجمه فرهنگ الرائد (از جبران مسعود) در همان دوران خدمتش در دانشگاه فردوسی منتشر شد. در سال ۱۳۷۶ و در دانشگاه فردوسی به این اثر، به‌عنوان کتاب برگزیده جشنواره پژوهشی فردوسی، لوح تقدیر و جایزه ویژه تعلق گرفت.
از دکتر انزایی‌نژاد ده‌ها مقاله علمی - پژوهشی در نشریات کشور به چاپ رسیده که کارنامه علمی او را گرانبار کرده‌است. چندین مدخل از مدخل‌های دائرةالمعارف بزرگ اسلامی نوشته دکتر انزایی‌نژاد است که توانایی او را در زمینه تحریر مقاله‌های دانشنامه‌ای به‌خوبی نشان می‌دهد. تخصص دکتر انزایی‌نژاد در زمینه فرهنگ‌نویسی از تدوین و ترجمه فرهنگ الرائد و تألیف مستقل فرهنگ لغات عامیانه (با همکاری منصور ثروت) به‌خوبی آشکار است.

الرائد فرهنگ‌القبایی عربی - فارسی است که هم در زبان اصلی خود اثری مرجع به‌شمار می‌رود و هم ترجمه آن برای فارسی‌زبانان طی نزدیک به دو دهه که از انتشار آن می‌گذرد، به‌خوبی جا باز کرده‌است. دلیل این توفیق را، به‌رغم پخش نامناسب کتاب‌های ناشران شهرستانی، باید در چاپ‌های مکرر این اثر دید. ترجمه این کتاب جزم و استوار و منسجم است و پژوهشگر را از رجوع به هر مأخذ دیگر بی‌نیاز می‌کند. در اصل کتاب مدخل‌های عربی، نه به شیوه عام فرهنگ‌های عربی براساس ریشه، بلکه به ترتیب معمول القبایی تنظیم شده و مترجم نیز همین شیوه را، که برای فارسی‌زبانان راحت‌تر و مأنوس‌تر بوده، معمول داشته‌است. معانی و شرح مدخل‌ها، هم در عربی و

هم در ترجمه فارسی، به ترتیب اهم و مهم آمده، اما جایی که پیوند لفظی کلمه ایجاب می‌کرده، به‌خصوص در فعل‌هایی که حرف اولشان با حرف اول ریشه کلمه یکسان نیست و نیز در مقابل فعل‌های معتل و برخی اسم‌ها، سه حرف اصلی آن ذکر شده‌است. در این کتاب اصطلاحات تخصصی علوم مختلف و دانش‌های نوین هم آمده؛ هم اصل و هم ترجمه از پרגویی و حاشیه‌روی و انباشتن کتاب از مکررات برکنار است. اطمینان از عربی‌دانی مترجم از یک طرف و آگاهی ژرف او از زبان پارسی، بر توفیق این اثر افزوده‌است.

کتاب فرهنگ لغات عامیانه، به‌رغم نظایری که داشت، در روزگار خود (۱۳۶۶)، توجه دیگران را جلب کرد. مؤلفان این کتاب به کاری اصیل و دست‌اول پرداخته‌اند؛ به این معنی که واژه‌های عامیانه آثار را، با توجه به کاربرد آن‌ها در متن و استعمال و استنباط صاحبان اصلی آثار، معنا کرده و پس از ذکر شاهد به نقل از کتاب‌های معاصران، معنی‌های این واژه‌ها را با معنی‌هایی که احتمالاً از برخی از این واژه‌ها در فرهنگ‌ها آمده، مقایسه کرده‌اند. به این ترتیب، خواننده می‌تواند به معنی داده‌شده اطمینان بیشتری پیدا کند یا اگر نپسندید، خود معنای دلخواه را در برابر کلمه بگذارد. هرچند این کتاب سال‌ها پیش تألیف شده‌است، اما اصول کلی فرهنگ‌نویسی نوین، مانند تلفظ و آوانویسی مدخل و تعبیر (در موارد لزوم) و شاهد دست‌اول، در آن ذکر شده‌است. تألیف کتاب بر مبنای آثار نویسندگان معاصر و صاحب‌نام، مانند جمال‌زاده، هدایت، آل‌احمد، دولت‌آبادی، احمد محمود، علی‌محمد افغانی و... صورت گرفته‌است. پیش از این کتاب، چند فرهنگ مشتمل بر واژه‌های عامیانه وجود داشته، از جمله فرهنگ عوام از امیرقلی امینی و فرهنگ لغات عامیانه از جمال‌زاده، که چون هیچ‌یک از آن‌ها از نقص و کمبودهایی خالی نبوده‌است، این کتاب درواقع برای تکمیل و ادامه کار آن‌ها، به‌ویژه فرهنگ لغات عامیانه جمال‌زاده، تدوین شده‌است. مؤلفان، در مقدمه، شیوه کار و چگونگی ثبت مفردات و ترکیبات را آورده‌اند.

علاقه و تخصص دکتر انزایی‌نژاد در حوزه لغت و مباحث زبانی، هم از رساله‌ها و پایان‌نامه‌هایی که راهنمایی کرده به‌خوبی پیداست و هم این ذوق و اعتقاد در خلال مقالات علمی و پژوهشی وی آشکار است. کافی است به عنوان برخی از این رساله‌ها نظری بیفکنیم:

- «تاریخ جهانگشای جوینی و دستور زبان فارسی» (دکتری، محمود عباسی، دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۲)؛
- «فرهنگ نوادر و لغات و کنایات خمسه نظامی» (دکتری، مهدی فیاض، دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۲)؛
- «فرهنگ لغات و اصطلاحات مثنوی هفت‌اورنگ» (کارشناسی‌ارشد، اسماعیل شفق، دانشگاه تبریز، ۱۳۶۷)؛

- «شرح و تحلیل جهانگشای جوینی» (کارشناسی‌ارشد، محمد بارانی، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۰)؛
- «فرهنگ لغات، اصطلاحات، و تعبیرات اشعار خاقانی» (کارشناسی‌ارشد، ابراهیم رنجبر، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۱)؛

- «ترکیبات و تعبیرات و نوادر لغات کشف‌الاسرار» (کارشناسی‌ارشد، علی مقصودلو، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۴)؛

- «فرهنگ کنایات شاهنامه» (کارشناسی‌ارشد، فاطمه فرجی ثانی، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۵)؛
- «فرهنگ صفات و ویژگی‌های جانوران در کتب برجسته ادبی تا قرن هشتم» (کارشناسی‌ارشد، مریم درپر، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۷)؛

- «تحلیل و توضیح نکات ادبی، بلاغی و معنایی بیست قصیده از سنایی» (کارشناسی‌ارشد، علیرضا الله‌آبادی، دانشگاه آزاد سبزوار، ۱۳۸۲)؛
- «بررسی و تحلیل روضة‌الانوار خواجو» (کارشناسی‌ارشد، محسن شهرآیینی، دانشگاه آزاد سبزوار، ۱۳۸۲).

گذشته از این بسیاری از مقاله‌های دکتر انزایی‌نژاد که در نقد شرح کتاب‌ها نوشته شده، بر مبنای تحقیقات لغوی و واری‌های زبانی استوار است و چه‌بسا نکته‌های مبهمی از متون را برای همیشه روشن کرده‌است. در سال‌های دهه هفتاد که دکتر انزایی‌نژاد سردبیر مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی بود، در این مجله بخشی به «کندوکاو در مشکلات متون ادبی» اختصاص داده بود که اغلب خود او، و به‌ندرت دیگران، نکته‌های لغوی و ادبی متون را به‌اختصار طرح می‌کردند و این کار چندین شماره ادامه یافت. تقریباً همه تصحیحات و گزیده‌ها و شروحاتی که وی بر متون کهن نوشته و امروز در زمره کتاب‌های درسی این رشته محسوب می‌شود، جنبه لغوی و متن‌شناختی دارد و زمینه علاقه و تخصص او را، در حوزه لغت‌نویسی، مشخص می‌کند.

نثر پارسی دکتر انزایی‌نژاد، مثل بسیاری از ترکان پارسی‌گو، در عین زیبایی و متانت، ریشه‌دار، استوار و متکی به پشتوانه‌ای غنی از ظرفیت‌های ادبی و زبانی است و از ادب هزارساله پارسی میراث می‌برد. کهنه‌گرایی زنده و پُر‌تپشی که بر قلم او سایه افکنده به

پشتوانه سنگینی از لغت و دانش زبانی اشاره می‌کند که نمونه آن نزد همگنان زیاد دیده نمی‌شد. اگر اجل مهلتش می‌داد و به کار لغت دل می‌داد صلاحیت آن را داشت که سهم مهمی در پیش‌برد دانش فرهنگ‌نویسی در روزگار ما، که به‌شدت به امثال او نیازمند است، بر عهده بگیرد.